

خداشناسی ودایی^۱

محمدجواد شمس^۲

چکیده

در دین هندوی همه چیز از وداها شروع می‌شود، زیرا چنانکه داسگوپتا اشاره دارد، نفوذ و اقتدار وداها در تمامی دوره‌های تاریخی و نزد همه فرقه‌های هندوی محفوظ مانده است و با آنکه تاریخ دینی هند، از آغاز، یعنی از زمان تمدن ودایی تاکنون، شاهد دگرگونیهای بسیار بوده است، این آثار همواره اقتدار و مرجعیت دینی خود را حفظ کرده‌اند.

از آنجا که در وداها با نظام دینی و پرستشی یکسان و یکنواخت روبرو نیستیم، ارائه تصویری روشن و قطعی از خداشناسی ودایی نیز امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در وداها، به‌ویژه در ریگ ودا، که مجموعه سرودهایی خطاب به خدایان و در ستایش آنها است، از یک سو، از خدایان متعدّد سخن به میان آمده و در مندرله‌های متعدّد تعداد آنها ۳۳^۲ و یا ۳۳۹ دانسته شده است؛ و از سوی دیگر، در مندرله دهم به خدای یگانه ای اشاره شده است که در مندرله اول خدایان متعدّد به منزله نامهای متعدّد او فرض شده‌اند. این موضوع اختلاف نظرهای بسیاری را برانگیخت و سبب گردید که درباره نظام دینی وداها و جایگاه خدا یا خدایان و وجودات مقدّس و برتر در وداها، دیدگاهها و مکاتب مختلفی شکل گیرد. این دیدگاهها از چندگانه پرستی و طبیعت‌پرستی محض تا پرستش خدای یگانه و حتی توحید وجودی را دربردارد. علاوه برآن، خدایان ودایی در تقسیم بندی‌های گوناگونی جای می‌گیرد که مهم‌ترین و قدیمی‌ترین آنها، طبقه‌بندی سنتی است که بر مبنای آن خدایان به سه طبقه خدایان آسمانی، خدایان فضایی و خدایان زمینی تقسیم می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: وداها، چندگانه پرستی، رب‌الاربابی، توحید، وحدت وجود، ...

1. Vedic Theology

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اسلامشهر

3. *Vedic Hymns*, vol. 2, p. 42(R. V., I. 45.2).

الف) نگاهی به دینداری ودایی

به گفته برخی، «سرودهای ریگ ودا عمدتاً به پرستش ایزدانی که تشخص^۱ قوا و عوامل طبیعی‌اند اختصاص دارند» و سرودهای اولیه^۲ ودایی بیانگر فضایی دینی است که بیش از هر چیز به کیش طبیعت‌پرستی که در آن قوای طبیعت، چون آتش (آگنی) و باد (وایو)، شخصیت یافته‌اند، نزدیک است. به اعتقاد این گروه، دین ودایی دینی مبتنی بر چندگانه‌پرستی^۳ است و همه^۴ این ایزدان کوچک یا بزرگ، عناصر و عوامل طبیعت‌اند که الوهیت یافته‌اند. این ایزدان در عین یکی بودن با پدیده‌های طبیعی، آنها جدا و قابل تمییزند. به گفته س. ا. قدیر، این ایزدان، با آنکه چون خورشید، ماه، باران، باد و غیره مورد نظرند، از سوی دیگر هر یک از آنان چون موجودی شکوهمند تصور می‌شود که در آسمان مقام دارد و سوار بر گردونه^۵ درخشان و تابناک خود، به زمین فرود می‌آید تا در مراسم ادای قربانی حضور یابد و بر بالشی که از گیاه ساخته شده می‌نشیند تا سرودی را که در ستایش او خوانده می‌شود بشنود، و نذرها و قربانی‌هایی را که به وی تقدیم می‌شود بپذیرد.^۶ آلن دانیلو و مک دائل از طرفداران این نظریه‌اند. به گفته مک دائل، در سرودهای ودایی حتی بزرگترین خدایان هم به خدایان دیگر وابسته‌اند^۷ و این یکی از اصول اصلی چندگانه‌پرستی است. در ریگ ودا نیز ضمن تأیید این مطلب آمده است: «به راستی همه شما وجود کامل و بزرگ هستید». «من برای خدایانی جشن به پا می‌دارم که اعمال آنها سستی نمی‌پذیرد و بخشندگان پاک‌تری هستند». همچنین عبارت «ای خدایان، با برکت خود ما را همیشه حفظ کنید»، نیز در بسیاری از سرودهای ریگ ودا تکرار شده است. اما عده‌ای دیگر، از جمله مکس مولر و همچنین داسگوپتا، صورت اولیه^۸ دینداری ودایی را

1. personification

2. Polytheism

۳. قدیر، «تفکر فلسفی در هند پیش از اسلام»، ج ۱، ص ۲۵، ۲۱.

4. Macdonell, *Vedic Mythology*, p. 16; Danielou, *Hindu Polytheism*, p. 8.

«ربّ الاربابی» یا «هنوتنیزم»^۱ یا «کاتوتنیزم»^۲ می‌دانند. این گروه معتقدند که در وداها در هر دوره یکی از خدایان، به خدای برتر یا خدای خدایان تبدیل می‌شد و به مقام ربّ الاربابی و متعالی‌ترین مرتبه، دست می‌یافت و دیگر خدایان مطیع و فرمانبردار او می‌شدند.^۳ داسگوپتا حتّی معتقد است که دینداری ودایی نه چندگانه پرستی است و نه یگانه‌پرستی؛ بلکه صورت ساده و ابتدایی دینداری است که در اصل سرمنشأ چندگانه پرستی و یگانه‌پرستی به شمار می‌آید. به گفته او، شاعران و سرایندگان وداها فرزندان طبیعت بودند و که پدیده‌های طبیعی، شگفتی و تحسین و احترام آنان را بر می‌انگیخت و هر خدا یا معبودی که در دوره‌ای خاص محرک عشق و ایمان آنان بود، به عنوان خدای متعال و برتر و مقتدرترین معبود مورد پرستش و ستایش قرار می‌گرفت.^۴ برخی سرودهای ریگ ودا نیز با این دیدگاه هماهنگ است. برای نمونه، در مندله اول (سرود اول) خطاب به وایشوانره^۵ آمده است: «او در حقیقت یک پادشاه و پادشاهِ والای همه موجودات است»^۶؛ و در سرود ۱۹ مندله نخست خطاب به اگنی گفته شده است: «ای اگنی در حقیقت هیچ خدایی، و هیچ فناپذیری، فراتر از قدرت و توان تو نیست، ای فرد توانا و قدرتمند»^۷. افزون بر آن، اگنی سرور و فرمانده قدرتمند و صاحب سلطنت و پادشاهی نیز خوانده شده است.^۸ ایندیره نیز خود را تنها فرمانروای عالم و شکست‌ناپذیر می‌نامد و همچنین از او با عنوان حافظ خدایان یاد می‌شود. در ریگ ودا از ورونه نیز به عنوان خدای برتر سخن به میان می‌آید و گفته می‌شود که او فرمانروایی است که اشعه درخشانش تمام زمین‌های سه‌گانه را در

1. Henotheism

2. Kathenotheism

3. Max Muller, *Origin and Growth of Religion*, p. 260; Keith, *The Religion and Philosophy*, vol. 1, p. 89.

4. Dasgupa, op. cit., vol. 1, p. 17-18; Macdonell, "Vedic Religion", *ERE.*, vol. 12, p. 603.

5. Vaiśvānara

6. *Vedic Hymns*, vol. 2, p. 127 (R. V., I, 28).

7. *Vedic Hymns*, vol. 1, p. 53 (R. V, I, 19, 2).

8. Ibid, vol. 2, p. 354 (R. V., II, 12, 3).

برمی‌گیرد و سه کشور اعلاّی آسمان را پر می‌سازد، و او مالک همهٔ ثروت‌ها و برپا دارندهٔ آسمان و پادشاه عالی‌قدر و حاکم بر جهان است.^۱

البته شایان ذکر است که برخی هِنوتیزم یا رب‌الاربابی را مرحله‌ای بعد از چندگانه‌پرستی و نوعی تکامل دینداری ودایی و نیز مقدمه‌ای برای یگانه‌پرستی^۲ و وحدت‌انگاری^۳ می‌دانند. در حالی که بعضی از هندوان این روزگار، تحت تأثیر عقاید سوامی دیاننده^۴، بر آن باورند که این هر دو نظریه مردود و مخالف با روح حقیقی وداها است، زیرا چنانکه در ریگ ودا آمده است: «او یکی است، اما فرزندگان نامهای گوناگونی بدو می‌دهند، و او را اگنی، یمه^۵، ماتریشون^۶ می‌خوانند^۷». س. ا. قدیر، ضمن نقد و ردّ این نظریه، گفته است: «شک نیست که در وداها چند شعری با این گونه مضمون یافت می‌شود، لیکن نظر عموم محققان و دانشناس بر آن است که اشعار متضمن اشارات توحیدی به دوره‌های متأخر ودایی تعلق دارند، و روح کلی و غالب افکار ودایی را منعکس نمی‌کنند». به اعتقاد وی، تمایلات و اندیشه‌های یگانه‌پرستی در سرودهای ودایی دوره‌های بعد و در براهمنه‌ها اندکی ظاهر می‌شود. او همچنین دیدگاه سوامی دیاننده را نتیجه و محصول فرهنگ آمیخته هندویی و اسلامی و تأثیر اندیشهٔ یگانه‌پرستی اسلام بر دین هندویی می‌داند.^۸

با این همه، با توجه به سرود ۱۶۴ مندله اول، که ا. س. قدیر نیز آن را نقل کرده، و نیز برخی از سرودهای مندلهٔ دهم، می‌توان گفت که نظام یکتاپرستی هندوان از وداها آغاز شده است. در سرودهای ۸۱ و ۸۲ و نیز ۱۲۱ مندلهٔ دهم از خدای یگانه سخن به میان آمده و

1. Keith, op. cit., vol. 1, p. 90 ff; cf. Gonda, *The Vedic God Mitra*, p. 18 ff

2. Monotheism

3. Monism

4. Swami Dayananda

5. Yama

6. Mātreśvan

7. Dasgupta, op. cit, vol. 1, p. 23.

۸. قدیر، «تفکر فلسفی در هند پیش از اسلام»، ج ۱، ص ۲۵.

با عناوین ویشوه کرمه (ویشوه کرمن^۱) و پرجاپتی^۱ از او یاد شده است؛ که البته برخی این دو نام یا دو عنوان را دو صفت از صفات خدای یگانه دانسته‌اند.^۲ عنوان ویشوه کرمن، از دو واژه «ویشوه» (Viśva) به معنی همه، و «کرمن» (karman) به معنی آفریننده و خالق تشکیل می‌شود، و به معنی خالق و آفریننده همه است. او مظهر قدرت خلاقه و سازنده‌ای است که آسمان و زمین را آفرید و میان آنها ارتباط برقرار کرد و افزون بر آن، همه هستی را سازمان داد. او نه فقط مظهر قدرت خلاقه برتر و متعالی، بلکه مظهر علم و خرد مطلق، و هم سازنده و هم منهدم کننده هستی است.^۳

پرجاپتی نیز مشتق از «پرجا» (praja)، به معنی تولید مثل و زاد و ولد، و «پتی» (pati) به معنی پروردگار و فرمانروا، و به معنی پروردگار و پادشاه آفرینش است.^۴ داسگوپتا این عنوان را به معنی پادشاه و پروردگار همه چیزها، و آن را لقبی برای سایر خدایان و نیز وجه تمایز برترین و متعالی‌ترین و بزرگترین خدا دانسته است.^۵ سرود ۱۲۱ مندلّه دهم به ستایش پرجاپتی اختصاص دارد. در این سرود که خطاب به «خدای ناشناخته»^۶ است، او با جهان آفرینی و جهان‌شناسی و نیز با هیرنیه گربه^۷ - به معنای نطفه طلایی^۸ یا هسته زرین^۹ - ارتباط یافته است. در این سرود او، خدای یگانه، پروردگار و پادشاه همه موجودات، آفریننده و سازنده و بناکننده آسمان و زمین، بخشنده حیات، عطا کننده نیرو و توان، حاکم

1. Viśvakarma (Viśvakarman)

2. Dasgupta, *Hindu Mysticism*, p. 23.

3. *A Dictionary of Hinduism*, Margaret et al, p. 337

4. Ibid, p. 229-230

5. Dasgupta, *A History of Indian Philosophy*, vol. 1, p. 19.

6. The Unknown God

7. Hiranya-garbha

8. The Golden Embryo

9. The Golden Germ or Child (CF. Max Muller, "Notes" on *Vedic Hymns*, vol. 1, p. 6).

بر آسمانها و زمین و مالک دریاها و رودخانه‌ها خوانده می‌شود و همهٔ قربانی‌ها و نذورات و حتی همهٔ ستایش‌ها، پرستش‌ها و نیایش‌ها از آن او دانسته شده است^۱.

«در آغاز هیرنیه گربه پدیدار گردید، و چون تنها پروردگار هستی زاده شد.

او زمین را آرام و مستقر ساخت و آسمان را بنا نهاد.

ما کدام خدای را با قربانی‌هایمان پرستش کنیم؟

او که به ما حیات و نیرو می‌بخشد، و او که همه مخلوقات، حتی خدایان درخشان و نورانی فرمانش را اطاعت می‌کنند. سایه‌اش هم مرگ است و هم حیات ابدی (ابدیت).

ما کدام خدای را با قربانی‌هایمان پرستش کنیم؟

او که به تنهایی و با نیروی خویش، پادشاه و فرمانروای مطلق همهٔ موجودات زنده، همهٔ آنها که بیدارند و همهٔ آنها که خوابند و همهٔ انسانها و همهٔ حیوانات است، آن پروردگار لایزال.

ما کدام خدای را با قربانی‌هایمان پرستش کنیم؟

این کوههای پوشیده از برف، اقیانوس‌ها و رودهای طولانی و دراز، قدرت و عظمت او را نشان می‌دهند.

آن که این سرزمین‌های عریض و طویل، بازوان ستر اویند.

ما با قربانی‌ها و نذوراتمان کدام خدای را پرستش کنیم؟

آن که آسمانها را درخشان و زمین را پایدار ساخت.

آن که افلاک، آسمان آسمانها، را محکم و تثبیت کرد.

آن که عرصه‌های گستردهٔ فضا را اندازه گرفت

ما با قربانی‌ها و نذوراتمان کدام خدای را پرستش کنیم؟^۲

1. *Vedic Hymns*, vol. 1, p. 1-2 (R. V. X. 121. 1-10); Macdonell, art. cit., vol. 12, p. 602, 606

2. CF. Dasgupta, op. cit., vol. 1, p. 19; Renou, *Hinduism*, p. 66-67.

آن که به اراده و خواست او، آسمان و زمین پابرجا و استوارند و خورشید تابان می‌درخشد.

آن خدایی که ما قربانی خود را به او تقدیم خواهیم داشت، کیست؟
آن هنگام که آبهای پهناور همه جا را فراگرفت، او تخمک یا [هسته] (هیرنیه گربهه) را محکم نگاه داشت و نور و روشنایی آفرید و سپس از آنها، حیات و نفس خدایان به وجود آمد.

آن خدایی که ما قربانی خود را به او تقدیم خواهیم داشت، کیست؟
باشد که او به ما آسیب نرساند (ما را نیازارد)، او که بارآورتر از زمین است، یا او، آن پرهیزکار، که آسمان را ایجاد کرد و همچنین روشنایی و قدرت آبها را به وجود آورد.

آن خدایی که ما قربانی خود را به او تقدیم خواهیم داشت، کیست؟
ای پرچاپتی، هیچ کس جز تو، بر همه این آفریده‌ها احاطه ندارد (همه این آفریده‌ها را دربرنگرفته است). باشد که هنگام قربانی کردن برای تو، آرزوهایمان برآورده شود و به امید آنکه ثروتمند شویم!^۱

در سرود ۸۲ مندلۀ دهم که به ستایش ویشوه کرمن اختصاص دارد، همین صفات و ویژگی‌ها به او نیز نسبت داده می‌شود. در این سرود آمده است که ویشوه کرمن که خود آفریده نیست، پدر و ایجاد کننده همه موجودات است. او آبهای نخستین را به وجود آورد: «پدر ما، خالق ما و سازنده ما کیست؟ آنکه همه مکانها و همه آفریدگان را می‌شناسد، و فقط اوست که نام‌های خدایان را بر آنان نهاد، و همه موجودات از او پُرسانند^۲. در اتهروه ودا نیز به تفصیل از هیرنیه گربهه سخن به میان آمده و گفته شده است که در آغاز، هیرنیه

1. *Vedic Hymns*, vol. 1, p. 1-2 (R. V. X. 121. 1-10); Renou, loc. cit

2. Dasgupta, op. cit., vol. 1, p. 20

گریه رشد و نمو کرد و چون ظهور یافت، او را سرور حیات و زندگی و فرمانروای همه موجودات دانستند، و او زمین و آسمان را استوار ساخت^۱.

برخی از محققان، مفهوم «ریت» را نیز، که به معنی وحدت کل طبیعت و همه هستی و همچنین به معنی نظام هماهنگ و منسجم حاکم بر جهان است، نشانه‌ای از یگانه پرستی و تأکیدی بر آن دانسته‌اند. داسگوپتا نیز ضمن آنکه یگانه پرستی را مرحله‌ای پس از هنوئتیزم یا رب‌الاربابی و نتیجه تکامل آن می‌داند، معتقد است که این مرحله، روندی آگاهانه برای تعمیم نبود، بلکه مرحله‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر در رشد و تکامل ذهن و اندیشه بود که توانست خدایی را تصور کند که منبع و سرچشمه اخلاق متعالی، و قدرت و توانایی فیزیکی و مادی است^۲. رادها کریشنن هم، علاوه بر این عامل، عوامل دیگری که از آن جمله است، تجربه مفهوم خدا، و ویژگی همه دینها که در نهایت به سوی توحید و یگانگی تمایل دارند^۳، را نیز در ظهور و رشد اندیشه توحید و دایی مؤثر می‌داند. شایان ذکر است که اندیشه دینی متفکران و دایی به توحید و یکتاگرایی نیز محدود نماند و سرانجام به نگاه توحید وجودی و وحدت وجود گرایش یافت. با آنکه به اعتقاد برخی، اندیشه وحدت وجود در اوپنیشادها و مکتب ودانته بسط و گسترش می‌یابد، اما بذرهایی نخستین آن را در وادها می‌توان یافت و به ویژه در سرودهای ۹۰ و ۱۲۹ مندلّه دهم، یعنی سرود «پوروشه سوکته^۴» یا «سرود انسان^۵» و «سرود آفرینش^۶» اندیشه وحدت وجود نمایان است. در سرود آفرینش آمده است:

1. *Hymns of the Atharva-Veda*, p. 226 (A. V., XI, 7, 3); cf. Blomfield, *Comentary to Hymns of the Atharva-Veda*, p. 629, 686.

4. jta

2. Dasgupta, op. cit., vol. 1, p. 23; Radhakrishnan, "The Vedas", *A Source book in Indian Philosophy*, p. 4

3. Id., *Indian Philosophy*, p. 90-92

4. Puruša Sukta

5. Man Hymn (Hymn of Man)

6. The Hymn of Creation

- ۱- در آغاز نه وجود^۱ بود و نه لاوجود^۲. نه فضا و هوایی بود و نه آسمانی بالای آن. چه چیز همه را در برگرفته بود (پوشانده بود)؟ کجا بود؟ و با چه چیز حمایت و محافظت می‌شد؟
- ژرفای بی‌انتهای آبها کجا بود؟
- ۲- مرگ و بی‌مرگی وجود نداشت؛ و تمایزی میان روز و شب نبود. آن یگانه به تنهایی نفس می‌کشید (می‌زیست)، بی‌نیاز و مستقل، هیچ کس جز او نبود، فراز او نیز چیزی نبود.
- ۳- در آغاز، تاریکی در تاریکی پنهان بود؛ و جهان، آبهای معمولی بود [و جهان عبارت بود از آبهای معمولی].
- آن که در فضا و خلأ پنهان بود؛ به تنهایی با نیروی شور و اشتیاق بسط یافت.
- ۴- سپس برای نخستین بار شور و اشتیاق (میل و خواسته) برانگیخته و ایجاد شد، که هستهٔ نخستین فکر و اندیشه در آن بود؛ و فرزندگان و خردمندان، که در دلهاشان جستجو می‌کردند، وجود (پیوند و قید و بند وجود) را در عدم (ناموجود) یافتند.
- ۶- چه کسی آن را می‌داند؟ چه کسی در اینجا با اطمینان می‌تواند بگوید که این جهان از چه و چگونه ایجاد شده است؟ و اینکه آیا خدایان بعد از این به وجود آمدند؟
- پس چه کسی می‌داند که این از چه سرچشمه گرفته است؟
- ۷- او که از عرش اعلی (بالاترین جایگاه آسمان) حکم می‌راند، آن بصیر مطلق، فقط او می‌داند که این جهان از کجا سرچشمه گرفته و آیا این جهان آفریده شده یا غیر مخلوق است؟ آیا او نمی‌داند؟

1. being(sat)

2. neither being nor not-being (asat)

3. Dasgupta, op. cit., vol. 1, p. 24; Id., *Hindu Mysticism*, p. 23; Macdonell, art. cit., vol. 12, p. 602; Renou, op. cit., p. 67-68.

به گفتهٔ داسگوپتا نخستین و قدیمی‌ترین شرح بر این سرودها، عباراتی از براهمنه (X. 1. 3. 5) به این شرح است: «در آغاز این جهان، نه عدم بود و نه وجود، در آغاز این جهان، هم وجود بود و هم عدم، و فقط فکر و اندیشه بود. به چه دلیل ریشی‌ها این عبارات را اظهار کرده‌اند، که در آغاز وجود و عدم نبود، زیرا فکر، نه وجود بود و نه عدم. آن زمان که فکر و اندیشه به وجود آمد، خواست که روشن و آشکار شود، روشنتر و واقعی‌تر؛ پس به تنهایی جستجو و سعی کرد، ریاضت کشید و سرانجام تداوم و ثبات یافت»^۱.

در اتهروه ودا نیز گفته شده است که «اسکمبه خدا» همه اشکال و صور هستی را در خود داشت.

در سرود ۹۰ مندلۀ دهم، یعنی سرود انسان یا پوروشه سوخته نیز اندیشه وحدت وجود هویدا است. در این سرود آمده است که پوروشه هزار سر، هزار چشم و هزار پا دارد. پوروشه همهٔ چیزهاست، آنچه به هستی آمده و آنچه هنوز به هستی نیامده است (آنچه به هستی خواهد آمد). تمامی هستی فقط یک چهارم اوست و سه چهارم او در ابدیت آسمانهاست. با قربانی شدن پوروشه، از یک چهارم او همه هستی آفریده شد؛ از جمله، از دهان او طبقه برهمنان، از بازوان او طبقه کشتریه^۲، از رانهای او طبقه وایشیه^۳، و از پاهای او طبقه شودره^۴ به وجود آمدند. افزون بر آن، حتی ریگ ودا، سامه ودا و یجورودا نیز از آن پیدا شدند. از اندیشهٔ او ماه، از چشمانش خورشید، از دهانش ایندره و اگنی، از نفسش وایو، از نافش فضای میانه، از سرش آسمان، از پایش زمین، و از گوشش اطراف و اکناف هستی شکل گرفت و بدین ترتیب جهان و تمامی هستی ظهور یافت.^۵

1. Loc. cit.; cf. Apte, "Religion and Philosophy", *Vedic Age*, vol. 1, p. 442-443

2. The God Skambha (Support)

3. Keśatrya

4. Vaiśya

5. śudra

6. *A Source Book in Indian Philosophy*, p. 19-20, 31; cf. Macdonell, loc. cit.; Keith, op. cit., vol. 1, p. 81; Renou, op. cit., p. 64-65.

در این دو سرود - سرود آفرینش و سرود انسان یا پروروشه سوخته - ما با دونوع وحدت وجود روبرو هستیم: وحدت وجود پانتئیستی یا همه خدایی^۱، و وحدت وجود غیر پانتئیستی. سرود آفرینش - علی‌رغم گفته داسگوپتا که آن را نیمه پانتئیستی^۲ می‌داند^۳ - به وحدت وجود غیرپانتئیستی اشاره دارد زیرا، چنانکه رادها کریشنان گفته است، در این سرود، رشد، تکامل و تحول هستی و جهان، خارج از «وجود غایی و مطلق^۴» شکل می‌گیرد و میان «حقیقت مطلق^۵» (برهمن) و خدای مشخص^۶ (ایشوره^۷) تمایز وجود دارد^۸، و جهان هستی در اصل ظهور و تجلی آن حقیقت مطلق است، نه عین آن و یا عین اعضا و جوارح آن. اما در پروروشه سوخته، از نوعی وحدت وجود پانتئیستی سخن به میان می‌آید. در این سرود، خالق و وجود برتر، جدا و متمایز از هستی و طبیعت نیست، بلکه با هستی یکی است و هستی خود اوست. پروروشه با قربانی شدن، که نوعی ایثار و از خود گذشتگی است، همه هستی را شکل می‌دهد، و هستی در اصل اعضا و جوارح پروروشه است. تمامی مراتب هستی، از جمله مراتب سه گانه آسمان، فضا و زمین، تمامی کائنات و موجودات و نیز طبقات اجتماع، همه از اعضا و جوارح و بخش‌های مختلف پروروشه به وجود آمده‌اند. بر اساس این سرود، کثرت عبارت از قربانی شدن پروروشه و پراکنده و جدا شدن اعضا و جوارح او، و بازگشت کثرت به وحدت نیز عبارت از جمع و ترکیب شدن اعضای پراکنده پروروشه است. اما نکته جالب و مهمی که در این سرود قابل توجه است این

-
1. Pantheism
 2. The Semi-Pantheistic
 3. Dasgupta, op. cit., vol. 1, p. 23
 4. The Ultimate One
 5. The Absolute Reality
 6. The Personal God
 7. Iṣvara
 8. Radhakrishnan, "The Vedas", p4.

است که فقط یک چهارم پروروشه ظاهر می‌شود و سه چهارم او پنهان و مخفی می‌ماند که شاید اشاره به جنبه ذات و لایتناهی و نامحدود، و پنهان و پوشیده بودن ذات باشد^۱.

ب) مهمترین خدایان ودایی

چنانکه پیش از این گذشت، در وداها از خدایان بی‌شماری سخن به میان آمده است. در مندرله‌های اول، سوم، هشتم و نهم ریگ‌ودا تعداد خدایان سی و سه تا است. در سرود ۴۵ مندرله نخست آمده است: «ای اگنی، خدایان خردمند و فرزانه آماده‌اند تا به پرستندگان گوش فرا دهند؛ ای پروردگار اسبهای سرخ، ای که از ستایش‌ها و پرستش‌های ما سرمست و شاد می‌شوی، آن سی و سه [خدا] را به اینجا بیاور»^۲. در سرود ۶ مندرله سوم نیز خطاب به اگنی گفته شده است: «ای اگنی، با آنان [خدایان] سوار بر یک ارابه یا چند ارابه بدینجا بیا، زیرا اسبان تو نیرومند و قوی هستند. سی و سه خدا را با همسرانشان و با شادی به اینجا بیاور»^۳. در سرود ۳۰ مندرله هشتم، این سی و سه خدا، نابودکننده دشمنان خوانده شده‌اند. اما در سرود ۹ مندرله سوم از ۳۳۳۹ خدا سخن به میان آمده است: «سه هزار و سیصد و سی و نه خدا به اگنی خدمت کردند [اگنی را پرستش کردند]»^۴.

تقسیم‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های مختلفی از خدایان ودایی انجام گرفته است. از جمله، مک دانل در طبقه‌بندی کلی خدایان ودایی را به دو گروه خدایان بزرگتر^۵ و خدایان کوچکتر^۶ تقسیم کرده است. به گفته وی خدایان بزرگتر عبارتند از خدایانی که بر همه جهان حاکم‌اند و پدیده‌های بزرگ طبیعی را به تسلط خود در آورده‌اند. اما خدایان کوچکتر

1. Cf. Keith, op. cit., vol. 1, p. 81, 89; Hirianna, *Outlines of Indian Philosophy*, p. 40-41; Macdonell, loc. Cit.

2. *Vedic Hymns*, vol. 2, p. 42 (R. V. I. 45.2).

3. *Ibid*, vol. 2, p. 245 (R. V. III. 6. 9).

4. *Vedic Hymns*, vol. 2, p. 257 (R. V. III. 9. 9).

5. Higher Gods

6. Lesser Divinities

و کم اهمیت‌تر، مانند خدایان محافظ، خدایانی هستند که دایره نفوذ و فعالیتشان، قلمروهای کوچکی را در برمی‌گیرد و بر مناطق محدودتری حکومت می‌کنند.

البته خدایان بزرگتر را نیز به چند طبقه تقسیم کرده‌اند.^۱ اما مهمترین و قدیمی‌ترین طبقه‌بندی، طبقه‌بندی است که در وداها انجام گرفته و از آن به عنوان «طبقه‌بندی سنتی» یاد شده و یاسکه^۲ نیز در «نیروکته^۳» آن را پذیرفته است.^۴ بر مبنای این طبقه‌بندی، خدایان به سه طبقه خدایان آسمانی، خدایان فضایی و خدایان زمینی تقسیم می‌شوند. این طبقه‌بندی نخستین بار در سرود ۱۳۹ مندلّه نخست دیده می‌شود که در آن، خدایان سی و سه گانه به سه طبقه و سه گروه ۱۱ نفری تقسیم شده‌اند: ۱۱ خدای آسمان، ۱۱ خدای فضا، ۱۱ خدای زمین. در شته پتهه براهمنه^۵، این خدایان سی و سه گانه، به گونه‌ای دیگر تقسیم شده‌اند: هشت وسو^۶؛ یازده رودره^۷؛ دوازده آدیتیه^۸، به اضافه آسمان و زمین، که در سرودی دیگر به جای آن دو، پرجاپتی وایندره آمده است.^۹

همچنانکه اشاره شد، طبقه‌بندی‌های دیگری نیز از خدایان ودایی انجام گرفته است که از آن جمله می‌توان به طبقه‌بندی ژرژ دومزیل اشاره کرد. او خدایان ودایی را بر مبنای طبقات سه‌گانه جامعه هندویی، به سه طبقه تقسیم کرده است: خدایان متعلق به طبقه برهمنان، یا خدایان طبقه روحانی؛ خدایان طبقه کشتریه یا طبقه فرمانروا و جنگجو؛ و خدایان طبقه کشاورز یا طبقه وایشیه^{۱۰}.

1. Macdonell, "Vedic Religion", *ERE.*, vol. 12, p. 602.

2. Yaska

3. Nirukta

4. Keith, *The Religion and Philosophy ...*, vol. 1, p. 86-87.

5. Śatapatha-Brāhmana

6. Vasu

7. Rudra

8. Aditya

۹. قدیر، همان، ج ۱، ص ۲۲.

10. Keith, op. cit., vol. 1, p. 86ff; Apte, art. cit., p. 365 ff; Macdonell, art. cit., vol. 12, p. 603

در اینجا به جهت اختصار فقط به معرفی طبقه‌بندی سنتی و بررسی ویژگی‌های مهمترین خدایان ودایی می‌پردازیم.

۱- خدایان آسمانی^۱. از لحاظ تاریخی کهن‌ترین خدای آسمان، دیئوس^۲ است که هر چند در ریگ‌ودا سرود مستقلی به نام او نیست، اما با پریتهیوی^۳ (به معنی زمین) نخستین زوج خدایان ودایی را تشکیل می‌دهد و با هم به عنوان پدر و مادر کیهانی^۴ مطرح می‌شوند. دیئوس خدای پدر است و پریتهیوی خدای مادر^۵. اما مهمترین و برجسته‌ترین خدای آسمان^۶ ورونه است که بعد از ایندیره، بزرگترین خدای ودایی است و از لحاظ تاریخی از نخستین خدایان ودایی به شمار می‌رود. او فرمانروای محافظ نظام طبیعی و اخلاقی است. به فرمان اوست که آسمان و زمین جدا و دور از هم قرار گرفته‌اند. اوست که به حرکت و سیر خورشید، ماه و ستارگان نظم بخشیده و رودها را جاری ساخته و ابرها را به حرکت درآورده تا زمین را بارور کنند. او دانای مطلق و ناظر و شاهد راستگویی و دروغ‌گویی انسانهاست. قدرت او، یعنی «مایا»^۷، وسیله‌ای است برای تشخیص حقیقت و عدالت و ورونه داور رفتار نیک و بد آدمیان است. او رفتار آنان را با «ریت»^۷ ارزیابی می‌کند. از گناهکاران خشمگین می‌شود و آنان را به سختی مجازات می‌کند و با غل و زنجیر به بندشان می‌کشد. اما با توبه‌کاران مهربان است و آنان را نه فقط از بار گناهان خودشان بلکه از بار گناهی که پدرانشان مرتکب شده‌اند هم رها می‌سازد. ظاهراً فقط از او مغفرت و آمرزش گناهان را طلب می‌کنند. به گفته مک دانل، یکی از ویژگی‌های خاص سرودهای

1. Celestial Gods

2. Dyaus

3. Prthivi

4. DyavaPrthivi (The Universal Parents)

5. Macdonell, loc. cit.; Apte, art. cit., p. 367-368; Keith, op. cit., vol. 1, p. 96-97

6. Māyā

7. Rta

ورونه، که متعالی‌ترین و اخلاقی‌ترین سرودهایِ ودا به شمار می‌روند، همین موضوع، یعنی طلب مغفرت و آمرزش است.^۱

از ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا فقط ۲۴ سرود خطاب به ورونه است که غالباً همراه با میتره و گاه با ایندره ستایش می‌شود. او نخستین آفریننده و پادشاه همهٔ جهان و همهٔ موجودات، اعم از خدایان و آدمیان است. او به تنهایی و گاه با میتره، فرمانروایی بر جهان را برعهده دارد و با نیروی خود، یعنی مایا، سه جهان آسمان، فضا و زمین را می‌آفریند. با مایای خود آفریده‌ها را شکل می‌دهد و موجب نزول باران و جاری شدن رودها می‌شود و ایندره نیز او را یاری می‌رساند. مردمان از او مسکن و رزق فراوان طلب می‌کنند، و ضمن درخواست مغفرت، آرزو می‌کنند که خشم ورونه مرتفع شود. او را همچنین خدای محافظ جانداران و یاده پتی^۲، یعنی پادشاه حیوانات آبی، و جَلَه پتی^۳، یعنی خدای آب و نیز او دَآمَه^۴، یعنی احاطه کننده می‌خوانند. او دارای صورت، چشم، بازوان، دستها و پاهاست. بازوانش را حرکت می‌دهد، راه می‌رود، می‌نشیند و می‌خورد و می‌آشامد و در عرش^۵ خود نشسته و موجودات فانی را می‌بیند. جایگاه و منزل^۶ او و میتره، بزرگ و عظیم است. هزار ستون بلند و برافراشته دارد و دارای هزار در است و از آنجاست که جهان را می‌نگرد. ورونه و میترا در عرش، یا آسمان اعلی، برگردونه‌ای که اسبان آن را می‌کشند سوارند.^۷

مقام رفیع ورونه در دوره‌های بعد به تدریج به خدایان دیگر واگذار شد و او که در دوره نخست ودایی در کنار میتره و آریامن^۸ در شمار سه خدای برتر بود، از مقام خویش تنزل یافت. در بخش‌های متأخر و جدیدتر وداها با مطرح شدن پرجاپتی به عنوان خدای آفریننده

1. Macdonell, loc. cit

2. Yadahpati

3. Jala-pati

4. Uddāma

5. Pastyasu

6. Sadas

7. Macdonell, loc. cit.; Keith, op. cit., vol. 1, p. 96-98.

8. Aryaman

و خدای بزرگ، مقام و شأن و رونه به تدریج کاستی گرفت و در دوره‌های بعد فقط به عنوان فرمانروای آنها و خدای دریا باقی ماند.^۱

در وداها، جنبه‌های مختلف و ویژگی‌های گوناگون خورشید با پنج خدا نشان داده می‌شود که قدیمی‌ترین آنها میتره، از خدایان کهن قوم هند و ایرانی، و به معنی دوست و همراه است. این ایزد با خدای میتره^۲، یعنی خدای خورشید ایرانیان، همانندی و شباهت کامل دارد، اما، چنانکه مک دائل اشاره کرده، برخلاف میتره ایرانی در وداها فردیت و استقلال او تقریباً فراموش شده و فقط یک سرود خطاب به او وجود دارد. در بقیه موارد معمولاً با ورونه ستایش و پرستش می‌شود. او را خدای روز و ورونه را خدای شب خوانده‌اند. او خدای صلح و خدای محافظ و نگهدارنده آسمان و زمین و حافظ انسانها و حتی نگهدارنده خدایان است.^۳

سوریه^۴، یکی دیگر از خدایان آسمان و به معنای آفتاب یا خورشید، و در اصل نام خاص و ثابت خورشید و شوهر سپیده دم است. او در کنار آگنی و ایندره، تثلیث خدایان با اهمیت و دایی را تشکیل می‌دهد. او چشم آسمان و یا چشم ورونه و میتره است. در ریگ ودا، ضمن ده سرود، مورد ستایش و نیایش قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که او به وجود آورنده روشنایی و درخشان از نور رحمت است. اشعه او همچون آتش سوزان شعله‌ور است و می‌درخشد و به سوی خدایان و مردمان روی می‌آورد و بر خانه‌های آنان می‌تابد. او پدیدآورنده روشنایی است و جان و روح همه روندگان و همه ثابتات است و همه موجودات به او وابسته‌اند. او نیز همچون سایر خدایان، پسر دیئوس است. در سرود پوروشه گفته شده است که او از چشم پوروشه به وجود آمده است. به علاوه، نور او وسیله‌ای است برای آنکه

1. Keith, loc. cit.; Macdonell, loc. Cit.

2. Mithra

3. Keith, op. cit., vol. 1, p. 100ff; Gonda, *The Vedic God Mitra*, p. 1-17.

4. Sūrya

او جهان و جهانیان را حفظ کند. او زندگانی را طولانی می‌سازد و بیماری را دور می‌کند. او دارای اربابه‌ای است که هفت اسب آن را می‌کشد.^۱

سویتی^۲، به معنی برانگیزنده، تحریک‌کننده و جذّاب، ناظر به خاصیت و نیروی حیات‌بخش خورشید است. در ریگ ودا یازده سرود که از مشهورترین سرودهای ودایی است به او اختصاص دارد و ۱۷۰ بار ذکر او آمده است. او یکی از قدیمی‌ترین خدایان ودایی است که همواره مورد خطاب بوده و اکنون نیز برهمنان در نیایش‌های صبحگاهی او را ستایش می‌کنند. در حالی که سوریه، جنبه عینی و ملموس و خاص خورشید را نمایان می‌سازد، سویتی، خورشید را به عنوان نیروی محرّک و برانگیزاننده مردمان به فعالیت معرفی می‌کند. این دو خدا در برخی از عبارات ودا یکی شده‌اند، اما در بیشتر موارد متمایز از یکدیگراند. سویتی، خدایی زرین و طلایی است. چشمها، دستها، زبان و بازوان او طلایی‌اند. موهای او زرد است و لباس زرد مایل به قهوه‌ای به تن دارد و دارای گردونه و اربابه‌ای زرین و مزین به زیورآلات است که دو اسب سفید آن را می‌کشند و او از طریق جو و هوا، و از مسیرهای بی‌گرد و خاک سفر می‌کند. همه خدایان مطیع امر اویند، و او در جهان و اطراف جهان و برای انسانها روشنایی را آشکار می‌سازد و زمین و آسمان را روشن می‌کند. او دارای گنج‌های نیکو است و به خدایان بی‌مرگی و گنج می‌بخشد. او خالق جهان و خدای همه کائنات است و به مردمان روزی و عمر طولانی عطا می‌کند و آنان را شادمان می‌سازد و روح مردگان را به جایگاه راستی و درستی و منزلگاه صدق هدایت می‌کند.^۳

پوشن^۴، به معنای رونق‌دهنده و شکوفا‌کننده، در اصل از ایزدان عصر شبانی و دامپروری و مظهر جنبه باروری و برکت‌بخشی خورشید است. او شخصیت شگفت‌انگیز و

1. Keith, op. cit., vol. 1, p. 104-105; Macdonell, loc. Cit.

2. Savitr

3. Keith, op. cit., vol. 1, p. 105-106; Macdonell, loc. Cit.

4. Pūšan

اسرارآمیزی دارد و حامل نیزه، درفش و سیخ است. گله‌ها را حمایت و هدایت می‌کند و محافظ راههاست. او راههای آسمانی را می‌شناسد و مردگان را به منزلگاه پدران راهنمایی می‌کند. در ریگ ودا ۸ سرود خطاب به اوست و نام او ۱۲۰ بار، و گاه با ایندیره و سومه یاد شده است. پوشن همچنین قوی، خشن، چابک، توانا، مقتدر، فرمانروای قهرمانان، حافظ جهان و خردمند خوانده شده است.^۱

اوشس^۲، الهه سپیده دم و خدا بانوی سحرگهان، دختر دیئوس، عروس سوریه و یکی از زیباترین خدایان است. او تنها ایزد بانویی است که در ریگ ودا بارها مورد خطاب و استدعا واقع شده است. در ریگ ودا حدود ۲۰ سرود خطاب به اوست و بیش از ۳۰۰ بار ذکر او آمده است. اوشس بیشتر یک شخصیت شاعرانه است تا دینی، و لذا هر چند در مراسم قربانی مربوط به آگنی و سوریه حضور می‌یابد، برخلاف سایر خدایان در مراسم تقدیم سومه، سهمی به او اختصاص ندارد. او الهه درخشان و تابان و برانگیزنده سعادت عظیم و بخشنده رزق و صاحب ثروت و گنج‌های فراوان است. با راستان راست، با بزرگان بزرگ، و بخشنده فراوانی و روشنایی است. اشعه شگفت‌انگیز و ابدی او در اطراف جهان پراکنده می‌شود. با درخشش خود دشمنان و بدخواهان را دور می‌سازد. تنفس و حیات موجودات زنده از اوست. با آتش و خورشید ارتباط دارد. به آفتاب یاری می‌دهد. پیش از خورشید ظاهر می‌شود و راهها را برای عبور او باز می‌کند.^۳

ویشنو^۴، در ریگ ودا فقط پنج سرود به نام اوست و حدود ۱۰۰ بار ذکر او آمده است؛ وگرچه در متون ودایی نسبت به چهار خدای پیشین از جایگاه و منزلت کمتری برخوردار است، از لحاظ تاریخی مهمترین خدای خورشید و جامع کلیه خواص و کیفیات به شمار می‌رود و یکی از دو خدای مهم و بزرگ هندویی جدید است. او خداوند و خالق و

1. Keith, op. cit., vol. 1, p. 106-107; Macdonell, art. cit., vol. 12, p. 603-604.

2. Ušas

3. Keith, op. cit., vol. 1, p. 119-122; Macdonell, loc. cit.

4. Višnu

فرمانروای همه است و به همین دلیل، خدایِ خدایان^۱ خوانده شده است. او از همه خدایان برتر، و از همه قدرتمندان، قوی‌تر است. هیچ کس نمی‌تواند به جلال و عظمت او نزدیک شود. اوست که گنبد پهناور آسمان را نگه می‌دارد، و دو جهان را از هم جدا و متمایز می‌سازد، و زمین را با میخ‌هایی محکم نگاه می‌دارد و عرش یا منزلگاه اعلی را مکان خود قرار داده است. او خدایی جوان است، اما بدن و جسمی پهناور و گسترده دارد. او مظهرِ نیروی آفتاب است و در سه گام، هفت ناحیه جهان را می‌پیماید و همه چیز را با نور خویش احاطه می‌کند. او با گامهای بلند نواحی سه‌گانه را می‌پیماید و تمام آفریدگان در میان سه گام وسیع او جای دارند. گام سومش مملو از شراب و عسل است و سرور و شادی می‌بخشد. از سه گام او فقط دو گام قابل رؤیت است و گام سوم او ناپیدا و فراتر از فهم و در قلمرو روشن آسمان است. او سه گام خود را به خاطر منافع انسانها برداشت و زمین را به عنوان مسکن و مأوا به انسانها بخشید. برخی سه گام ویشنو را عبارت دانسته‌اند از مظاهر سه گانه نور، یعنی آتش، برق و خورشید، و بعضی دیگر آن را به سه وضع خورشید یعنی موقع طلوع و هنگام ظهر و وقت غروب تعبیر کرده‌اند. به هر حال مهمترین وجه تمایز ویشنو با سایر خدایان ودایی، سه‌گامی است که ویشنو با آن پهنه گسترده زمین و آسمان را در می‌نوردد و اندازه می‌گیرد. او با اندازه‌گیری جهان در کار آفرینش شرکت می‌کند و گاه همچون اگنی خدایی واسطه‌ای میان خدایان و انسانها است. او دارای صفاتی چون بخشندگی، نیکویی و نیکخواهی است و او را "نگهدار شکست‌ناپذیر" نامیده‌اند. ویشنو در دوره‌های بعد اهمیت بسیاری پیدا می‌کند و پاسداری جهان و حفظ قانون و نظم جهان یعنی دهرمه^۲ به او واگذار می‌شود و تجلیات بسیاری نیز می‌یابد.^۳

1. deva deva

2. Dharma

3. Keith, op. cit., vol. 1, p. 108-112; Macdonell, loc. cit.

اشوین‌ها^۱، خداوندانِ اسبها، خدایانِ جفتی و توأمانِ صبحگاهان، پسرانِ دیئوس و خدایانی ذاتاً جوان و خوش ترکیب و جذّابند که در بسیاری از سرودهای ودایی مورد خطاب قرار گرفته‌اند. آنها خدایانی نیکخواه و یاری دهنده‌اند و چون پدر خود با نور آسمانی پیوند دارند و هر بامداد در گردونه زینشان که اسب یا پرندۀ آنها را می‌کشد، پیش از او شس بر آسمان پدیدار می‌شوند. آنان مردمان را از رنج، اندوه، شکست و ناکامی نجات می‌دهند. مهمترین صفتی که به آنها نسبت داده‌اند، ناستیه^۲، یعنی حقیقت، است^۳.

۲- خدایان فضایی^۴

مقتدرترین و معروف‌ترین، همچنین محبوب‌ترین خدایِ فضا، ایندره است که در اصل بزرگترین خدایِ ودایی و خدایِ ملیِ هندوان است. از ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا ۲۵۰ سرود خطاب به اوست و در بیش از ۵۰ مورد همراه با دیگر خدایان از او یاد می‌شود و در نتیجه بیش از یک چهارم سرودهای ریگ ودا به او اختصاص دارد. در حالی که ورونه فرمانروایی بسیار پرهیزگار و اخلاقی است، ایندره جنگجویی مقتدر و نیرومند است. ورونه بر نیروی خود، یعنی مایا، متکی است، ولی ایندره بر سومه^۵ و سلاح تکیه دارد. صفات و ویژگی‌های انسان‌گونه او بیش از سایر خدایان است. او دارای سر، بازوان، دستها و شکمی بزرگ است که آن را با شراب سومه انباشته است. ایندره خدایِ توفان، پدیدآورندهٔ رعد، مسلح به سلاح آذرخش یا وَجْرَه^۶، و پادشاه آریاییان و حامی آنان است. او خدایی خشن و تشنه و دوستدار سومه است و قدرت خود را از طریق آن به دست می‌آورد. مشخصه و ویژگی اصلی او

-
1. Ašvins
 2. nāsatya
 3. Loc. cit
 4. Atmospheric Gods
 5. Soma
 6. Vajra

مبارزه و جنگ با وریتره^۱ (دیو خشکسالی) است. او با سلاح وَجْرَه و با نوشیدن سومه و با یاری مروتها^۲ - خدایانِ توفان - بر وریتره پیروز شد و آبها را آزاد کرد. از اینرو نزد کشاورزان محبوبیت بسیاری دارد. او با کشتن وریتره جانشین ورونه شد و به فرمانروایی جهان رسید و بعدها با به دست آوردن عنوان خدای حاصلخیزی، صفت آفرینندگی را نیز یافت و به عنوان خدای خالق مطرح شد. او آسمانها، روزها، ماهها و فصلها را منظم کرد. زمین و آسمان را از هم جدا ساخت و آنها را وسعت بخشید. ایندره ابرها را وادار به باریدن می‌کند، دوستدار مردمان است، از آنان حمایت می‌کند و با روشنایی خود ظلمت را از بین می‌برد. نیرومند، قوی و غضبناک است و خشم و غضب او هر چیز محکمی را خرد می‌کند و کسانی را که از نظم و قانون ورونه و میتره پیروی نمی‌کنند، کیفر می‌دهد و ضمن برقراری امنیت، شادی و سرور می‌بخشد و در مراسم جشن و سرور و آیین‌های قربانی و ندورات و نیایش‌ها حاضر می‌شود. با یاری و کمک او بود که آریاییان پیروز شدند. او بود که آتش را از میان دو سنگ نمایان ساخت. در سرودهای ریگ ودا از او با صفات و عناوین بلندی یاد شده است. مهمترین صفات او عبارتند از: قدرتمند یا شَکْرَه^۳، چالاک یا نرتو^۴، پیروزمند یا توره^۵، قوی یا تَوَس^۶، و قهرمان یا شوره^۷. او را گاهی پیر و گاهی جوان خوانده‌اند و همچنین به دلیل کشتن وریتره، او را وریترهن^۸، یعنی کشنده وریتره نامیده‌اند و به خاطر در دست داشتن سلاح وَجْرَه (آذرخش) به او صفت وَجْرَه‌پنی^۹، یعنی «صاعقه یا آذرخش به دست» داده‌اند. در سرودها آمده است که سراپای ایندره از زر است، بازوانش از

-
1. Vrtra
 2. Maruts
 3. śakra
 4. nrtu
 5. tura
 6. Tavas
 7. śura
 8. Vrtra-han
 9. Vajra-pani

زر است و تازیانه‌ای زرین در دست، برگردونه‌ای زرین و تابناک که هزار تکیه‌گاه دارد، سوار است و دو اسب زرین با یالهای زرین و موج ارابه او را می‌کشند. او حاکم بر جهان است و آن را به شش بخش تقسیم کرده و به صورت خانه‌ای با چهار ستون و دو دروازه، یکی در شرق و دیگری در غرب، و سقفی از ابرهای آسمان بر آن، در آورده است. ضمناً او صاحب همسری به نام ایندرنی^۱ یا ایندری^۲ است. علی‌رغم مقام و منزلت ایندره، او ازلی نیست بلکه مخلوق و آفریده است. درباره او گفته شده است: «پدر تو، پدر دلیرترین و جنگاورترین فرزندان بود. وی پدیدآورنده ایندره، سازنده صاعقه شکست‌ناپذیر آسمانی... تواناترین استاد کار بود». «پدری نیرومند، فرزندی نیرومند برای جنگاوری پدید آورد. زنی رزم‌آور پسری رزم‌آور بزاد».

با این همه، ایندره نیز در جایگاه مطلق خود باقی نماند و در دوره‌های جدیدتر تنزل یافت و با قدرت یافتن شیوا و ویشنو، تحت نفوذ و قدرت آنها درآمد. در این دوره از مقام خدای جنگ به فرمانروای سپهر و پاسدار منطقه شرقی تنزل یافت و به جای سوار شدن بر گردونه زرین و با شکوه خود، بر پیلی سپید و شناور سوار شد. افزون بر آن به کارهای خلاف عرف و اخلاق و حتی اعمال ناشایست و خشونت‌باری نیز دست زد. از جمله پدرش را کشت و گردونه سپیده دم را شکست و به زنبارگی و برهن کشی نیز پرداخت.^۳

رودره^۴، از خدایان نسبتاً کم‌اهمیت ودایی است و فقط در سه سرود ریگ ودا، ۳۵ بار نام او آمده است. او تصویر و شکل اولیه خدای شیوه^۵ دوره‌های جدیدتر ودایی است که در سمهیتاهای جدیدتر، و در براهمنه‌ها، همچون ویشنو، به یکی از دو خدای بزرگ و قدرتمند برهمنان تبدیل می‌شود. او خدای توفان و بادهای و پدر ماروت‌هاست که گاه خود آنها نیز با

1. Indarni

2. Indri

3. Keith, op. cit., vol. 1, p. 124-133; Macdonell, op. cit., vol. 12, p. 604;

قدیر، همان، ج ۱، ص ۲۳-۲۴

4. Rudra

5. Śiva

عنوان «رودرها» خوانده می‌شوند. او دارای موهای بافته شده، لبهای زیبا، اندام محکم، رنگ قهوه‌ای و چندین شکل است. او ذاتاً تابان و پرتوافکن است و همچون طلا و خورشید می‌درخشد. او درخشنده، اسوره^۱ آسمان و مزین به زیورآلات و سوار بر ارابه جنگی است. در وداها، از دو چهره و شخصیت رودره سخن به میان آمده است. مهمترین و برجسته‌ترین چهره وی، همان ترسناکی و وحشت‌انگیز بودن اوست. او را شریرتین خدای ودا دانسته‌اند. او دارای نیزه‌های مرگ بار، مسلح به تیر و کمان، و همواره خشمگین و هراس‌انگیز است. او تیره‌فام، بدخو، کشنده، ویرانگر و همچون حیوانات وحشی، از جمله چون گراز سرخ فام آسمان تصویر شده است. رودره انسانها، گله‌ها و حتی خدایان را آماج تیرهای مرگبار و بیماری‌زای خود قرار می‌دهد و گاه با رعد و برق ظاهر می‌شود. اما از طرف دیگر، او حامی و نگهبان گله‌ها، خردمند، بخشنده و خدای سرود است و همچون بزرگترین طبیبان، ستایش شده است. او شفادهنده است و به همین دلیل در برخی سرودها، از او سلامتی و خوشبختی آدیان طلب می‌شود. در ریگ ودا با عنوان «شیوا» به معنی فرخنده و مبارک مورد خطاب قرار می‌گیرد و چون خورشید فروزان و چون طلا درخشنده و زیباترین و بهترین خدایان دانسته می‌شود. رودره در دوره‌های بعد، با عنوان شیوا مطرح و شناخته و معروف شد.^۲

تریته آپتیه^۳، تریته به معنی سوم و آپتیه به معنی ساکن و مستقر در آبهاست. در ریگ ودا سرود مستقلی خطاب به این خدا وجود ندارد و فقط ۴۰ بار و از آن میان هفت بار با عنوان آپتیه از او یاد شده است. او با ایندره، ماروتها، اگنی و سومه مرتبط است و برخی از کارها و اعمالش بسیار شبیه اعمال و رفتار ایندره است؛ از جمله آن که با نوشیدن سومه به وجد و نشاط می‌آید و در کشتن وریتره نیز دخالت دارد. تریته آپتیه ماروتها را بر گردونه خود سوار

1. Asura

2. Macdonell, art. cit., vol 12, p. 604-605; Keith, op. cit., vol. 1, p. 142-144.

3. Trita Āptya

می‌کند و به آگنی شدت و حدت می‌بخشد و او را شعله‌ور می‌سازد. مسکن او مخفی و سرّی و در دور دستهاست. گفته‌اند که جایگاهش در قلمرو خورشید و در آسمان است. او مخالف زشتیها و بدیها و خواستار زایل شدن آنها و از بین رفتن شرارتهاست.^۱

اپم نپات^۲، کیث نام او را اپام نپات^۳ نوشته است. در ریگ ودا فقط یک سرود به او اختصاص یافته و ۳۰ بار ذکر او آمده است. او را فرزند آبها خوانده‌اند و متمایز از تریته آبتیه شمرده‌اند. او ذاتاً مرتبط با آبها و ساکن در آنها و پوشیده از نور و روشنایی و درخشندگی است و در مراسم و نیایش‌های مرتبط با آب حضوری فعال دارد. افزون بر آن با آگنی نیز مرتبط است و گاه با او یکی می‌شود، او در مکانی رفیع ساکن است، طلایی و زرین است و از زهدان زرینی ولادت یافته و غذای او کره آب شده و شیر است. افزون بر آن، روحانیان، از او آب مناسب و پاک طلب می‌کنند.^۴

ماتریشون^۵، در ریگ ودا سرود مستقلی خطاب به او وجود ندارد، و فقط در قسمت‌های متأخر ریگ ودا ۲۷ بار نام او آمده و با عنوان خدایی که آتش پنهان را از آسمان به زمین آورد، از او یاد شده است. او احتمالاً صورت فضایی آگنی است و گاه با او متحد و یکی شده است، اما در سرودهای متأخر ودا و در براهمنه‌ها از او با عنوان خدای باد سخن به میان آمده است.^۶

مروتها^۷، یعنی خدایان توفان، فرزندان رودره و پریشنی^۸ اند که به همین مناسبت، به نام پدرشان، رودرها نیز نامیده شده‌اند. آنها سه گروه هفتایی یا سه گروه شصتایی اند که در جنگها از ایندره حمایت و پشتیبانی می‌کنند و ملازمان جاودانه او هستند. نفس آنها چون

1. Keith, op. cit., vol. 1, p. 134.

2. Apamnapāt

3. Apām Napāt

4. Ibid, vol. 1, p. 135; Macdonell, loc. cit.

5. Mātariśvan

6. Keith, op. cit., vol. 1, p. 138; Macdonell, loc. cit

7. Maruts

8. Prsni

آتش است و از خنده آذرخش ولادت یافته‌اند، و جنگجویانی جوان و مسلح به نیزه و تیرزین‌اند و کلاه خود بر سر می‌گذارند. آنها مزین به زیور آلات‌اند و بر گردونه‌ای زرین که از پرتو آذرخش درخشان است و گوزنهایی سه پا آن را حمل می‌کنند، سوارند و همچون پدرشان، خرابکار و ویرانگر، و گاه نیکوکار و مهربان‌اند. آنها کوهها را می‌شکافند و مغرورانه درختهای جنگلها را می‌شکنند و با آذرخش، مردمان و گاوان را می‌کشند. اما از طرف دیگر درمان‌کننده و شفادهنده‌اند و با باران، زمین را بارور می‌کنند.^۱

وایو^۲ و واته^۳، هر دو خدای باداند. در ریگ ودا یک سرود خطاب به وایو و دو سرود خطاب به واته است. هر چند در ریگ ودا به ندرت از وایو یاد شده، اما او از خدایان کهن و مهم است و با سوریه و اگنی، نخستین تثلیث خدایان مهم ودایی را تشکیل می‌دهد. هر چند که بعدها ایندیره جای او را در این تثلیث اشغال می‌کند، اما ارتباط او با ایندیره هیچگاه قطع نمی‌شود. او هنوز نیز مورد احترام و توجه است. وایو از نفس پروروشه هستی یافته و خدایی زیباست. او هزار چشم دارد و متهوران، سوار بر گردونه‌ای طلایی که ۹۹ یا ۱۰۰ یا ۱۰۰۰ اسب آن را می‌کشند، به پیش می‌تازد. و همچون ایندیره، میل بسیار به نوشیدن سومه دارد. او سریع‌ترین خدایان است و دم او حیات‌بخش خدایان و انسانهاست. صفات و ویژگی‌های انسان‌گونه وایو بیش از واته است، اما واته نفس خدایان، و منادی آذرخش و قاصد ظهور خورشید است و بیشتر با پرجنیه^۴ ارتباط دارد. او را با چشم ظاهری نمی‌توان دید و غرش و فریاد او را نمی‌توان شنید. زادگاه او نیز دانسته نیست. او به وجود آورنده انوار سرخ فام و موجب درخشش بامدادان است و گرد و خاک را از چهره ابرها پاک می‌کند.^۵

1. Macdonell, art. cit., vol. 12, p. 605; Keith, op. cit., vol. 1, p. 150ff.

2. Vāyu

3. Vāta

4. Parjanya

5. Macdonell, loc. cit.; Keith, op. cit., vol. 1, p. 139-140

آپه^۱، به معنی آبها و مجموعه‌ای از ایزد بانوها است که با عنوان نیروهای خدایان در چهار سرود ریگ ودا ستایش شده‌اند. آنها آسمانی‌اند و در خانه خدایان ساکن‌اند و زنانی جوان و ایزد بانوهایی هستند که ضمن شرکت در مراسم قربانی، احسان و لطف می‌کنند و هم آلودگی‌های ظاهری و هم آلودگی‌های اخلاقی، از جمله گناهان خشونت‌آور و دروغ‌گویی را از بین می‌برند و افزون بر آن، طول عمر و جاودانگی می‌بخشند.

پَرَجَنیه از خدایان فضایی، مظهر و تشخیص ابر باران‌زا و پسر دینوس است. در ریگ ودا فقط در سه سرود و ۳۰ بار مورد خطاب قرار گرفته است و گفته شده که او زمین را با باران به جنبش و حرکت در می‌آورد.

۳- خدایان زمینی^۲

در ریگ ودا رودها نیز تشخص و الوهیت یافته و بارها مورد خطاب واقع شده‌اند. از جمله سیندهو^۳ (ایندوس^۴، رود سند) با عنوان ایزد بانو، و دو رود وِیپاس^۵ (بیاس^۶ کنونی) و سوتودری^۷ (سوتلج^۸ کنونی) واقع در پنجاب که مورد ستایش قرار گرفته‌اند. اما مهمترین ایزد این گروه، سرَسوتی^۹ است. در ریگ ودا، سرَسوتی ایزد بانوی آب و نام رودی است که

-
1. Āpah
 2. Terrestrial Deities (The Terrestrial Gods)
 3. Sindhu
 4. Indus
 5. Vipas
 6. Bias
 7. Sutudri
 8. Sutlej
 9. Sarasvati

از هیمالیا به سوی غرب سرازیر می‌شود. اما در براهنه‌ها، او با عنوان خدای سخن مورد خطاب قرار می‌گیرد و - بعدها - نیز همچون ایزد بانوی فصاحت و بلاغت (زبان‌آوری) و خرد^۱ ستایش می‌شود، و همسر برهما به شمار می‌رود^۲. با این همه، مهمترین و بزرگترین خدای زمینی، اگنی، به معنای آتش، است.

اگنی، خدای آتش، ایزد زمینی و یکی از مهمترین خدایان ودایی است، که پس از ایندره، از مقام و منزلت رفیعی برخوردار است و تقریباً یک پنجم ریگ ودا- حدود ۲۰۰ سرود - خطاب به اوست. قوم هندو ایرانی از دیرباز با دیده حرمت و احترام به آتش می‌نگریست و در تعظیم و ستایش آن می‌کوشید و آن را اصل و جوهری می‌دانست که در همه چیز و در همه جا ساری است و مایه نظام و قوام عالم وجود است. در آسمان به صورت خورشید، در فضا به صورت آذرخش و در زمین به صورت آتش جلوه می‌کند. در سنگهای زمین و در نباتات پنهان است و به همین دلیل بر اثر برخورد سنگها و همچنین بر اثر ساییده شدن دو چوب به هم آشکار می‌شود. عبادت و پرستش آتش در نزد قوم هندو ایرانی از دیرباز متداول بود، و در هند، اگنی، به معنی آتش، یکی از سه خدای مهم ودایی به شمار می‌آمد و در کنار سوریه و وایو و- بعدها ایندره - نخستین تثلیث هندویی را تشکیل می‌داد. در ریگ ودا، از اگنی به عنوان اصل و نطفه زرینی که همه چیز از او نشأت می‌گیرد، سخن به میان می‌آید و او پسر دینوس و پریتهیوی، یا فرزند توشتری^۳ و آبها، و برادر ایندره و یاری دهنده او خوانده می‌شود. او هم جواترین خدایان و هم خدایی پیر است. در سپیده دم بیدار می‌شود و هر روز صبح می‌درخشد. اولین قربانی را او انجام داد. او نه فقط در زمین بلکه در فضا و آسمان نیز وجود دارد و لذا دارای صفات و خصوصیات سه گانه‌ای است، یعنی ویژگی‌های خدایان سه طبقه آسمان، فضا و زمین را داراست. به گفته مک دائل، این ویژگی آتش، نشان

1. The Goddess of eloquence and wisdom

2. Macdonell, op. cit., vol. 12, p. 605; Apte, art. cit., vol. 1, p. 376-379

3. Tvaštr

دهنده قدیمی‌ترین تثلیث هندویی و الگوی نخستین و اولیه گروه سه تایی خورشید، باد و آتش است و شاید با تثلیث خدایان سه گانه هندویی یعنی برهما، ویشنو و شیوا، نیز مرتبط باشد^۱. صفات و ویژگی‌های متعددی برای آگنی برشمرده و گفته‌اند که او اصل و مبدأ عالم است، جسم و جان می‌بخشد و پایه هر جنبش و حرکتی است. آفریدگار و سرور عالم است که از او با القاب صانع همه چیز و سرور مخلوقات نیز یاد شده است. او هر سه جهان را بنیان می‌کند و واجد همه اشکال و توانایی‌های حکمت الهی است. صورتهای خدایان گوناگون را به خود می‌گیرد و نامهای بسیار دارد.

افزون بر آن، بر همه خدایان احاطه دارد و هر چند در همه جا حاضر است، یکتا و پادشاهی یگانه است. آگنی تجلیات گوناگونی دارد. بنیاد زندگانی انسان، حیوان و گیاه از اوست. فروکش کردن و بار دیگر شعله بر کشیدن آتش نماد لزوم نو کردن آفرینش است. او را همچنین بنیان‌گذار شعایر و آیین‌های قربانی و از کهن‌ترین کاهنان به شمار می‌آورند. آگنی واسطه خدایان و انسان، پیامبر خدایان، انتقال دهنده قربانی‌ها به خدایان و فراخواننده در مراسم قربانی و وادارنده مردم به نیایش خدایان است. او پروردگار همه گونه‌های آتش، خواه آتش آسمانی (خورشید)، خواه آتش فضایی (آذرخش) و خواه آتش زمینی است. او پیک آسمانی و به آدمی بسیار نزدیک است. آگنی، نور و خرد و، از نظر هندوان، خود زندگی است. او در همه جا و در همه چیز حضور دارد، مانند وایو همه چیز را احاطه کرده است و داخل هر موجودی می‌رود، به همه چیز زندگی می‌بخشد و در تمام موجودات جهان وجود دارد. گرمی خون و حرارتی که از فعالیت‌های انسان و از جنبش‌های مغزی او به وجود می‌آید، و اصلی که موجب رشد و نمو او می‌گردد... همه و همه از آتش است. انسان در پرتو این آتش درون، نورانی می‌شود، زیرا صاحب آتش بالقوه است. آگنی حتی در چوبها و آنها نیز پنهان است. هندوان همواره امیدوارند که آگنی، زندگی راحت و با آرامش به آنان

1. Macdonell, loc. cit

و خانواده‌شان بیخشد. اگنی در هند، هسته مرکزی آیین‌های مذهبی را تشکیل می‌دهد و به ویژه با مراسم قربانی ارتباط نزدیکی می‌یابد. در مراسم قربانی، او را فرامی‌خوانند تا قربانی‌های مربوط به خود و خدایان را دریافت کند. بدون حضور او مراسم قربانی انجام نمی‌شود و در اصل اجراکننده مراسم قربانی خود اوست. او روزی سه بار غذا می‌خورد و غذای اصلی او روغن حیوانی است. افزون بر آن، چوبها را نیز می‌بلعد و شراب سومه می‌نوشد. گفته‌اند که او دهان خدایان است و خدایان از طریق او، قربانی‌ها را می‌خورند. همانگونه که خداوند بیشترین و نزدیکترین ارتباط را با زندگانی روزانه مردمان دارد، اگنی نیز همواره در میان مردمان و در مساکن و منازل آنان حاضر است و به همین دلیل او را مهمان و خدای خانه و نیز روحانی یا ریتویج^۱ و وپیره^۲، روحانی خانواده یا پروهیته^۳ و روحانی برجسته و ارشد یا هوتری^۴ می‌خوانند. قبل از شروع مراسم عبادت، نخست مناجاتی به نام او می‌خواندند و حضور او را به اصرار درخواست می‌کرده‌اند. او ولی نعمت توانمند همه پرستندگان است و دشمنان آنان را از بین می‌برد و شیاطین را طرد می‌کند، خانه‌ای را که در آن ساکن است، پاک می‌گرداند و اسرار را آشکار می‌سازد و ظلمات را روشن می‌کند. با ایندره نیز ارتباط نزدیکی دارد و همچون او جنگجوست و با اهریمنان به ستیز می‌پردازد. او حامی جنگاوران و شکست‌ناپذیر و بر همه آشکار است. گردونه‌ای درخشان و تابناک دارد که دو اسب یا بیشتر آن را می‌کشند و او دارای هزار چشم و هزار شاخ و مسلح به تیر و کمان است. او را به گاو نر، اسب، پرنده (به ویژه عقاب) تشبیه

1. rtvij

2. vipra

3. purohita

4. hotr

5. Macdonell, loc. cit.; Keith, op. cit., vol. 1, p. 154-162; Apte, art. cit., vol. 1, p. 471, 376-378; Heesterman, art. cit., vol. 15, p. 222;

کرده‌اند و گاه او را مار و افعی هلاک‌کننده نیز خوانده‌اند. او از بین برنده جن و پری است به پرستندگان و قربانی‌کنندگان نعمت می‌بخشد و موجب خوشبختی و سعادت‌مندی خانواده و جامعه است.^۱

از دیگر خدایان زمینی می‌توان پریتهیوی و سومه^۲ را نام برد. پریتهیوی را پیش از این معرفی کردیم. اما سومه، شرابی سکرآور است که از شیر گیاهی به همین نام به دست می‌آید و چون از آغاز در مراسم قربانی و تقدیم نذورات نقش مهم و برجسته‌ای داشت، به تدریج جنبه الوهیت یافت. فشاندن شراب سومه بر چمن و نوشیدن آن در محفل عبادت و هنگام قربانی، از اعمال و مناسک دینی و امری اساسی و واجب شمرده می‌شد و حتی خدایان نیز می‌بایست آن را می‌نوشیدند، زیرا سومه زندگی‌بخش و دشمن اهریمنان است.^۳

1. Soma

2. Keith, op. cit., vol. 1, p. 166-175; Macdonell, art. cit., vol. 12, p. 605-606; Heesterman, art. cit., vol. 15, p. 223-224; Apte, art. cit., vol. 1, p. 378-379.

منابع و مأخذ:

- پیربایار، ژان، دم‌پودازی آتقی، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر مرکزی، ۱۳۷۶ ش.
- قدیر س.ا.، «تفکر فلسفی در هند پیش از اسلام»، ترجمه دکتر سید فتح‌الله مجتبائی، تاریخ فلسفه در اسلام، تهران، ۱۳۷۳.
- مجتبائی، سیدفتح‌الله، شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، تهران، ۱۳۵۲.
- *A Dictionary of Hinduism*, by Margaret and James Stutley, London, 7791.
- Apte, V. M., "Religion and Philosophy", *The History and Culture of the Indian People, The Vedic Age*, ed. by R.C., Majumdar and A. D., Pusalker, Bombay, 8891.
- *A Source Book in Indian Philosophy*, ed. by Sarvepalli Radhakrishnan and Charles A. Moore, Honolulu, Hawaii, 2791.
- Bloomfield, Maurice, *Introduction to Hymns of the Atharva-Veda*, Delhi, 4691(7981.)
- Danielou, A., *Hindu Polytheism*, New York, 4691.
- Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, Cambridge, 9691.
- Dasgupta, Surendranath, *Hindu Mysticism*, New York, 9591(7291).
- Gonda, J., *The Vedic God Mitra*, Leiden, E. J. Brill, 2791.
- Hiriyanna, M., *Outlines of Indian Philosophy*, Delhi, 3991.
- *Hymns of the Atharva-Veda*, Trans. by Bloomfield, Delhi, 4691(7981).
- Keith, Arthur Berriedale, *The Religion and Philosophy of the Veda and Upanishads*, Delhi, 0791.
- Macdonell, A. A., *Vedic Mythology*, Varanasi, 6391.

-
- Macdonell, A. A., «Vedic Religion», *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, ed. by James Hastings, New York, 8591.
 - Max Muller, F., *Notes on Vedic Hymns*, Delhi, 3791(1981).
 - Max Muller, F., *Origin and Growth of Religion*, Varanasi, 4691.
 - Radhakrishnan, Sarvepalli, and Charles A. Moore, «General Introduction», «History of Indian Thought», in *A Source Book in Indian Philosophy*, Honolulu, Hawaii, 2791.
 - Renou, Louis, *Hinduism*, New York, 2691.
 - *Vedic Hymns*, Part I Trans, by. F. Max Muller; PartII tran. by Hermann- Oldenberg, Delhi, 4691.